

Explaining the mechanism of the International Criminal Court in promoting human rights

Received: 2024/10/30

Accepted: 2024/11/23

Abstract

Today and in the third millennium in the global village, almost all the countries and nations of the world are familiar with every legal system with the high value of human rights standards and have confirmed its importance, but in practice they are either indifferent to complying with its standards or on the contrary They violate it explicitly or implicitly and they do not face the immediate reaction of the international community and the conscience of public opinion, due to the economic crises in the world and the growth of terrorism and the mysterious corona disease, the importance of the attention of the nations of the world to the violation of human rights has decreased. However, this indifference does not apply to everyone, and in these cases, the United Nations, as the beacon of the turbulent ocean of international law, is responsible for guiding the ship of human rights by establishing special and permanent international criminal courts, which is one of the most important. These courts are the International Criminal Court that pays attention to human rights violations and defends human dignity. The purpose of this research is how the International Criminal Court supports human rights standards and the research method is descriptive-analytical. The main findings of the research prove that the court does not have enough legal and executive tools to effectively protect human rights and the proceedings are selective and not real.

Keywords: Human rights, International Criminal Court, war crimes, crimes against humanity

Arsalan Kamaei:

PhD student in Public
International Law, Bushehr
Branch, Islamic Azad Univer-
sity, Bushehr, Iran

E-mail: [arsalankamaei12@
gmail.com](mailto:arsalankamaei12@gmail.com)

Abdol Mohammad Afrogh:

Assistant Professor, Depart-
ment of International Law,
Bushehr Branch, Islamic
Azad University, Bushehr,
Iran (Corresponding author)

Email:
salimi@vatanmmail.ir

Abbas Basiri:

Assisnt
professor, Department of
Law, Bushehr Branch,
Islamic Azad University,
Bushehr, Iran

Email: basiri@pnu.ac.ir

تبیین ساز و کار دیوان بین المللی کیفری در پیشبرد حقوق بشر

تاریخ ارسال ۱۴۰۳/۸/۹

تاریخ پذیرش ۱۴۰۳/۹/۳

چکیده:

امروزه و در هزاره سوم در دهکده جهانی تقریباً همه دول و ملل جهان با هر نظام حقوقی با ارزش والای موازین حقوق بشر آشنا شده و بر اهمیت آن صحنه گذاشته اند و اما در عمل نسبت به رعایت موازین آن یا بی تفاوت هستند و یا برعکس به طور صریح یا ضمنی آن را نقض می کنند و با واکنش فوری جامعه بین المللی و وجدان افکار عمومی مواجه نمی شوند، آن هم به دلیل بحران های اقتصادی در جهان و رشد تروریسم و بیماری مرموز کرونا از اهمیت توجه ملل جهان به نقض حقوق بشر کاسته شده است با این حال این بی تفاوتی نسبت به همه جاری نیست و سازمان ملل متحد در این موارد به عنوان فانوس اقیانوس پرتلاطم حقوق بینالملل هدایت کشتی حقوق بشر را با تاسیس دادگاه های بین المللی کیفری ویژه و دائمی عهده دار است که یکی از مهم ترین این دادگاه ها دیوان کیفری بین المللی است که به نقض حقوق بشری توجه کرده و از حیثیت بشری دفاع می کند. هدف این تحقیق نحوه حمایت دیوان کیفری بین المللی از موازین حقوق بشر می باشد و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی می باشد. یافته های اصلی تحقیق ثابت می کند که دیوان از ابزارهای حقوقی و اجرایی کافی برای حمایت موثر از حقوق بشر برخوردار نیست و رسیدگی ها گزینشی انجام می شود نه واقعی. از ابزارهای حقوقی و اجرایی کافی برای حمایت موثر از حقوق بشر برخوردار نیست.

کلید واژه ها: حقوق بشر، دیوان کیفری بین المللی، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت

۱-ارسلان کمایی

دانشجوی دکترای حقوق بین الملل عمومی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

E-mail: arsalankamaei12@gmail.com

۲-عبدالمحمد افروغ: استادیار

گروه حقوق بین الملل، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران
(نویسنده مسئول)

Email: salimi@vatanmmail.ir

۳-عباس بصیری

استادیار گروه حقوق، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

Email: basiri@pnu.ac.ir

آنتونیو کاسس رئیس دادگاه بینالمللی کیفری یوگسلاوی سابق در گزارش خود به مجمع عمومی در سال ۴۹۹۱ فلسفه تشکیل محاکم کیفری بینالمللی را به بهترین وجه بیان نمود با این شرح که: «حتی پس از توافق برای صلح، چگونه کینههایی را که [آهالی یوگسلاوی سابق] از همسایه بر دل دارند میتوان نادیده گرفت. تنها دادگستری بینالمللی میتواند ابرهای زهرآگین خشم و کینه-خواهی را بزدايد و اندیشه خونخواهی را آرام بخشد» (عنایت، ۵۷۳۱). به گواه تاریخ در طول جنگ استقلال کشور بنگلادش سربازان پاکستانی به ۰۰۲/۰۰۰ زن و دختر تجاوز جنسی کردند. این اتفاق در سومالی هم افتاد؛ همینطور در ۲۹۹۱ به ۲۸۸ زن توسط توسط ماموران هندی در جامو و کشمیر تجاوز شد (میرمحمد صادقی، ۷۷۳۱). در سالهای آخر قرن گذشته در رواندا نیز جنایات مشابهی اتفاق افتاد و هزاران زن قربانی تجاوز خشونتبار جنسی شدند. یکی از قربانیان نقل میکند که «در نهم آوریل ۴۹۹۱ شبه نظامیان من را یافتند... به مدت دو روز من و هشت زن جوان دیگر یکی پس از دیگری توسط قریب ۰۲ نفر مورد تجاوز قرار گرفتیم، تمام زنان جوان پس از تجاوز به داخل رودخانه پرتاب و کشته شدند». زن دیگری توضیح میدهد که «حدود ۰۱ نفر از آنها آمدند، آنان دو زن را از جمع برگزیده و به طور دستهجمعی مورد تجاوز قرار دادند و پس از اتمام تجاوز، تمام بدن آنها را با چاقو مجروح کردند؛ سپس غذاهای روی میز را داخل مهبل آنها نمودند. هر دو زن مردند، بعد به ما گفتند که خانه را ترک کنیم و بچهها را باقی بگذاریم. آنها دو تن از بچههای ما را کشتند، شوهرم از آنها خواست که ما را نکشند. «ما باید مردان را بکشیم تا بتوانیم زنان را تصاحب کنیم» (همان). آنچه که تلختر از همه وقایع وحشتناک است بیتفاوتی نسبت به عدم رعایت و نقض صریح حقوق بینالملل بشر دوستانه است که شامل شیوههای جنگیدن جنگجویان و حمایت الزامی از جمعیتهای غیرنظامی، بیماران، نظامیان مصدوم و مجروح و اسراء جنگی است که تابع کنوانسیون ژنو در حمایت از قربانیان جنگهاست و دو پروتکل آن در ۷۷۹۱ به تصویب رسید که هر دو را مدیون ICRC هستیم و این شورای امنیت است که باید با فاصلهگیری از سیاستهای دوگانه (سکوت یا اقدام مقتضی) دست بکار شده و به این نوع آدمخواریهای انسانی پایان دهد که حتی حیوانات گوشتخوار و گرهبهای بزرگ نیز با همنوعان خود چنین رفتاری را انجام نمیدهند و تشکیل دادگاههای بینالمللی کیفری، یکی از مهمترین تدابیر تاثیرگذار در این زمینه است؛ زیرا جنایاتی که در رواندا، سیرالئون، برمه، بوسنی، عراق دوران داعش و طالبان و القاعده و یوگسلاوی سابق اتفاق افتاد، همگی منطبق با کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایات نسلکشی مصوب ۸۴۹۱ است که مشمول مرور زمان قرار نمیگیرد. به استناد کنوانسیون عدم امکان استفاده از مقررات مرور زمان در مورد جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت ۸۶۹۱ که باید به سرعت نسبت به شناسایی، دستگیری، استرداد، محاکمه و مجازات جنایتکاران این اعمال زشت و کثیف و خونالود اقدام کرد که خوشبختانه در کسوت دیوان کیفری بینالمللی این آرمان برآورده شد (سازمان ملل متحد، اداره اطلاعات همگانی، ۸۸۳۱). خاستگاه تشکیل دیوان مزبور برای مجازات جنایات علیه بشریت کنوانسیون ۸۴۹۱ ممنوعیت کشتار جمعی است که هزاران مورد قتل عام را در کامبوج، برمه، یوگسلاوی و رواندا شاهد بود که در ۸۹۹۱ اساسنامه‌اش به تصویب رسید. برای تعقیب جنایتکاران جنایات علیه بشریت، نسلکشی و جنایات جنگی از جمله رسیدگی به جنایات ارتکابیافته در دارفور سودان یکی از این پروندهها بود (همان). شنیدن این مطلب که بعد از پایان جنگ جهانی دوم با میلیونها کشته، نزدیک به ۰۵۲ جنگ تمام عیار اتفاق

افتاده و ۰۷۱ میلیون نفر کشته شده‌اند، بسیار دلهره‌آور و نگران‌کننده است و جنایات از هر نوع جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی بوقوع پیوسته است؛ بویژه این آخری که بیش از همه رخ داده است و عملاً بسیاری از جنگ افروزان آدم‌خوار از محاکمه و مجازات به دلیل بیتفاوت برخی از دولتهای کوچک و بزرگ در امان بوده‌اند و قول دادنها به همکاری فقط در حد یک تعهد کاغذی بین‌المللی بوده و نه به صورت واقعی از همکاری در زمینه شناسایی، دستگیری، محاکمه و مجازات آنها خبری نیست، گویا که عفو عمومی نانوشته شامل آنها شده است (ابراهیمی، ۸۷۳۱). با این وضع بحرانی افزایش جمعیت جهان و محدود بودن امکانات زندگی به طور قطع در آینده تعداد جنایات و خشونت‌ها بسیار زیاده‌تر از امروز خواهد شد و نظام کیفری مقتدری نیاز داریم تا به این خشونت‌ها پایان دهد (پاکدامن، ۸۷۳۱). اصولاً یکی از آرزوهای قدیمی بشریت مبارزه با بیکیفری و مجازات است که مرتکب جرائم و جنایات باور نکردنی نسبت به غیرنظامیها می‌گردند و جا دارد که با آنها مقابله شود (موثقی، ۹۸۳۱).

۱- آشنایی با دیوان کیفری بین‌المللی و اساسنامه آن

آنچه که در مورد بزرگترین دادگاه کیفری جهان باید گفت آن است که برای جلوگیری از بیکیفر ماندن تبهکاران بین‌المللی تشکیل شده و از کارکرد و ویژگیهای خاصی برخوردار است از جمله اینکه:

۱- یک دادگاه بین‌المللی است. ۲- یک نهاد قضائی با اعتبار دائمی است. ۳- متکی به اراده دولتهاست، ۴- صلاحیت رسیدگی به نقض حقوقی بنیادینی چون ژنوساید، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی دارد. ۵- به جنایات ارتكابی از اول ژوئیه ۲۰۰۲ رسیدگی می‌کند. ۶- اساسنامه دیوان از یک دیباچه مفصل، ۳۱ فصل و ۸۲۱ ماده تشکیل شده است. ۷- صلاحیت دیوان تکمیلی است، اولویت رسیدگی با دادگاههای محلی و ملی محل وقوع جنایات است براساس اصل سرزمینی بودن قوانین کیفری. ۸- حق ارجاع قضیه به دیوان مداخله یکی از سه مقام شورای امنیت، دولت، عضو و دادستان دیوان. ۹- موازین حقوق بشر در مورد همه متهمین رعایت می‌گردد. ۱۰- مقر دیوان لاهه هلند است. ۱۱- ارکان دیوان عبارتند از: بخشهای مقدماتی دیوان، بخشهای بدوی دیوان، بخش تجدیدنظر، دفتر دادستانی و دبیرخانه. ۱۲- قضات توسط مجمع دول عضو برای ۹ سال انتخاب میشوند که قابل تجدید نیست. ۱۳- تخصص آنها حقوق جزا، آئین دادرسی کیفری، حقوق بین‌الملل، حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر با تجارب حقوقی است (اردبیلی، ۳۸۳۱). ۱۴- محرک اصلی تشکیل دیوان جنایات اتفاق افتاده در یوگسلاوی سابق و رواندا بود. ۱۵- دیوان یک نهاد قضایی مستقل است. ۱۶- دیوان از شخصیت حقوقی بین‌المللی برخوردار است. ۱۷- از ارگانهای تابعه سازمان ملل متحد نیست (میرمحمد صادقی، ۷۸۳۱). بدون شک یکی از مهمترین ارزشهای مورد حمایت جامعه باید موازین حقوق بشر باشد؛ زیرا تکرار آن بدون واکنش حقوق و قانون ضمن توهین به دیگر انسانها موجب تخریب بیشتر مرتکب در ارتکاب جرائم بزرگتر است (حسینینژاد، ۳۷۳۱). بنابراین همانطور که برخی از علمای حقوق اعلام کرده‌اند تشکیل محاکم بین‌المللی کیفری موقت و دائمی در واقع به نوعی بین‌المللی کردن بازخواست ایشان به خاطر اعمال شنیعی است که به ساحت بشریت روا داشته‌اند که ضمن آنکه یک عمل اخلاقی است، عملی حقوقی نیز محسوب می‌گردد. در اینجا یک اجماعی از اراده مشترک کشورها در قالب یک حقوق جزای بین‌الملل و در کسوت یک دادگاه کیفری جهانی شکل می‌گیرد تا به

مقابله با این رفتارهای ناشایست بپردازد و این ارزشها چون از اعتبار جهانی برخوردارند، واکنش موافق جهانی را میطلبد. در این صورت است که میتوان با کیفر دادن تبه کاران ضدبشری مانع سقوط تمدن شد. مقابله با بردگی از سوی بشریت به صورت اجماع باعث لغو آن در همه قارهها شد؛ زیرا همه قبول دارند که حقوق بشر جزو موازین حقوق بینالملل و هنجارهای برتر از اراده دولت هاست که رعایت آن یک تعهد عاملشمول بوده و وفق ماده ۳۰۱ منشور سازمان ملل متحد برای همه کشورها لازمالرعایه است (همان). نکته بارز تلاشهای موسسین دیوان کیفری بینالمللی توجه همزمان به چهار مبحث از مباحث حقوق کیفری است که عبارتند از:

۱- حقوق بین الملل بشردوستانه ۲- رویه جزائی ۳- استرداد مجرمین ۴- حقوق بشر

در عین حال دیوان نمیتواند خود را از تاثیر فشارهای سیاسی و منشور سازمان ملل متحد و شورای امنیت رها سازد و دائما در مورد کسانی که باید تحت پیگرد قرار بگیرند، تحت فشار است (ارسنجانی، ۸۷۳۱). مواد ۶۱ اساسنامه دیوان این موضوع را پیشبینی کرده که شورای امنیت چه سیطره‌های بر دیوان کیفری بینالمللی دارد، آنجا که مقرر میدارد «پس از صدور قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت به موجب فصل ۷ منشور ملل متحد (مبنی بر درخواست تعلیق تحقیق یا تعقیب) هیچ تحقیق یا تعقیبی به موجب اساسنامه نمیتواند به مدت ۲۱ ماه شروع شود یا ادامه یابد، این درخواست به موجب همان شرایط قابل تجدید توسط شورای امنیت میباشد» (آل حبیب، ۸۷۳۱).

۲- جنایات نسل کشی: خط قرمز دیوان کیفری بین المللی

در طول تاریخ برخی از اعمال آن چنان مطرود و قابل سرزنش کیفری است که تقریباً همه ملل جهان آن را عملی مذموم تلقی کرده و محکوم مینمایند. یکی از این اعمال زشت بدون شک جنایت نسلکشی است که آل حبیب در کتاب خود به تشریح مفهوم آن مبادرت ورزیده است. «منظور از نسلکشی در این اساسنامه، هر یک از اعمال مشروحه ذیل است که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین ارتکاب مییابد.

الف: قتل اعضای یک گروه؛ ب: ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای یک گروه، ج: قراردادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود. اقداماتی که به منظور جلوگیری از توالد و تناسل یک گروه صورت گیرد. انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر (آل حبیب، ۸۷۳۱).

این اصطلاح در سال ۳۹۹۱ توسط رافائل لمکین برای اولین بار مطرح شد و یادآور جنایاتی بود که هدف عمده‌اش از بین بردن یک جمعیت نژادی، مذهبی و اجتماعی است که قطعا علم حقوق بینالملل آن را جنایت شناخته است که در سال ۸۴۹۱ کنوانسیون جلوگیری و سرکوب جنایت نسلکشی به تصویب رسید که تدوین و تصویب آن تحولی بزرگ در حقوق بینالملل محسوب میگردد (بیگزاده، ۸۷۳۱). این جنایت یادآور ارتکاب اعمالی است که از نظر حقوق بین الملل منع شده و ارتکاب آنها قطعا با قصد و اراده قبلی مرتکب یا مرتکبین انجام مییابد و امکان ندارد که نتیجه یک واقعه یا حادثه پیش آید و در عین حال ماهیتا ارتکاب این جنایات مساوی است با انکار حیات یک گروه انسانی (همان).

تاریخ مملو است از ارتکاب نسل کشی در مورد گروه های مختلف از جمله:

۱- نسل کشیهای یهودیان در طول حکومت ظالمانه نازیسم و رایش سوم از ۳۳۹۱ تا ۵۴۹۱

۲- نسل کشی افراد بالوبا توسط ارتش ملی کنگو، ۳- قتلعام هوتو در سالهای ۵۶۹۱ و ۲۷۹۱ در کشور بوروندی، ۴- قتل مردم بنگلادش در ۱۷۹۱، ۵- قتلعام سرخپوستان آشه در پاراگوئه در سالهای ۴۷۹۱ تا ۰۷۹۱، ۶- قتلعام غیرنظامیان در اوگاندا در سالهای ۸۷۹۱-۱۷۹۱، ۷- قتلعام در کاموج توسط خمرهای سرخ در ۸۷۹۱ تا ۵۷۹۱، ۸- قتلعام سرخپوستان در برزیل در طول یک دهه ۰۷۹۱ تا ۰۶۹۱، ۹- قتلعام ۸۷۹۱ در گینه استوایی، ۱۰- در ۲۸۹۱ قتلعام فلسطینیان در صبرا و شتیل. ۱۱- در ۸۸۹۱-۶۸۹۱ در سریلانکا، ۲۱- قتلعام هوتوها در ۸۸۹۱ در بوروندی. ۳۱- قتلعام ۸۸۹۱ کردها توسط ارتش صدام (اردبیلی، ۳۸۳۱). اصولا مطابق کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت ژئوساید ۸۴۹۱ ارتکاب آن فقط محدود به دوران صلح نیست؛ بلکه در زمان جنگ نیز میتواند اتفاق بیفتد که مرتکبین آن قابل محاکمه و مجازات هستند. با توجه به اینکه این کنوانسیون از نظر ماهیت حقوقی وصف حقوق بینالملل عرفی یافته است؛ فلذا هیچ کشوری حق ندارد به آن حق شرط وارد کند یا این کنوانسیون را با حق شرط معافیت از برخی از مواد بپذیرد. بنابراین برای تحقق جنایت ژئوساید تحقق سه شرط ضروری است که عبارتند از:

۱- تعاریف بعمل آمده از نسل کشی حصری است نه تمثیلی که در این موارد نیز مفاد اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها رعایت گردد. این عمل صرفا بر جنایات فیزیکی است که با از بین بردن انسان ها توأم است. ۲- جنایات ارتکاب یافته در مورد انسانها انجام شود بویژه که یک جمعیت قابل توجهی نیز باشد. ۳- با سبق تصمیم توأم باشد به این ترتیب که با هدف محروم کردن انسان-ها از حیات صورت بگیرد (صادقیان، ۸۷۳۱). هدف مرتکبین از این کشتارها صرفا یک قتل ساده نیست بلکه از بین بردن یک گروه خاص است با سوءنیت و احراز قصد مجرمانه که با ورود صدمه شدید به آنها توأم است (میرحاجزی، ۸۷۳۱). از نظر تاریخی تا سالهای قبل جنایت نسل کشی از مصادیق بارز جنایات علیه بشریت محسوب میشد، همانطور که بند C ماده ۶ منشور لندن که مبنای حقوقی تشکیل دادگاه نورنبرگ برای محاکمه جنایتکاران نازی آلمانی بود، اعلام کرده و یا منشور توکیو که به محاکمه سران سیاسی و نظامی امپراطوری ژاپن آغازگر جنگ جهانی دوم بر علیه آمریکا بود، پرداخت که نسلکشی اشاره نکردند اما به جنایات علیه بشریت پرداخته بودند که طی ارتکاب این جنایت یهودیان و برخی دیگر از گروه های نژادی و مذهبی تحت آزار و اذیت قرار گرفته و سپس قتلعام شدند. اما در جریان پنجمین کنفرانس بینالمللی یکنواخت-سازی حقوق جزا در ۳۳۹۱ این اصطلاح وارد کتب حقوقی حقوق جزا و حقوق بینالملل شد و بلافاصله در سال ۶۴۹۱ یک سال بعد از پایان جنگ جهانی دوم مجمع عمومی اعلام کرد که: نسلکشی یک جنایتی است که حقوق بینالملل و همه ملل متمدن جهان آن را نفرین میکنند و از آن بیزارند و گفته شده که نسل کشی عملا محدود به دوران جنگ نیست بلکه در زمان صلح نیز امکان انجام آن وجود دارد و میتواند در هر زمانی و هر کشوری رخ دهد و برای افراد مرتکب و دولت هایشان نیز مسئولیت آور است و این جرم کاملا متمایز از جنایت علیه بشریت میباشد و در کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل کشی ۸۴۹۱ صحبتی از موارد ذیل نشده است:

۱- گروه های سیاسی ۲- گروه های اجتماعی ۳- گروه های اقتصادی ۴- گروه های فرهنگی

۵- گروه های ملی ۶- گروه های قومی ۷- گروه های نژادی ۸- گروه های مذهبی ۹- ناقص بودن مکانیسم کنوانسیون ۸۴۹۱ (میرمحمد صادقی، ۷۸۳۱).

۳- جنایات ضدبشریت و تهدیدات حقوق بشری آن

مدت هاست که جامعه بین المللی مصمم شده که با جنایتکاران بین المللی سازمان یافته در هر شکلی مبارزه کند و به بیکفر ماندن آنها پایان دهد. به همین جهت اساس نامه دیوان کیفری بین المللی به تصویب رسیده است که طی ماده ۵ اساسنامه این جنایت را بر شمرده و در ماده ۷ به جنایات ضدبشریت پرداخته است به این ترتیب منظور از جنایات ضدبشریت عبارتند از: « ۱- منظور از جنایات ضدبشریت در این اساس نامه هر یک از اعمال مشروحه ذیل است:

هنگامی که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد یک جمعیت غیرنظامی یا علم به آن حمله ارتکاب میگردد.

الف: قتل؛ ب: ریشه کن کردن؛ ج: به بردگی گرفتن؛ د: تبعید یا کوچ اجباری یک جمعیت؛ ه: حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که بر خلاف قواعد اساسی حقوق بینالملل انجام میشود؛ و: شکنجه؛ ز: تجاوز جنسی، بردهگیری جنسی، فحشای اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری، یا هر شکل دیگر خشونت جنسی همسنگ با آنها؛ ح: تعقیب و آزار هر گروه یا مجموعه مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسیت یا علل دیگر در ارتباط با هر یک از اعمال مذکور در این بند یا هر جنایت مشمول صلاحیت دیوان، که در سراسر جهان به موجب حقوق بین الملل غیرمجاز شناخته شده است؛ ط: ناپدید کردن اجباری اشخاص؛ ی: جنایت تبعیض نژادی؛ ک: اعمال غیرانسانی مشابه دیگری که عمداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد. ۲- منظور از (تغییرات به کار رفته در بند ۱ این ماده).

الف: حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد هر جمعیت غیرنظامی: رفتاری است مشتمل بر ارتکاب چندین عمل از اعمال مذکور در بند ۱ بر ضد هر جمعیت غیرنظامی که در تعقیب با پیشبرد سیاست یک دولت یا یک سازمان برای انجام چنین حملهای صورت گرفته باشد. ب: ریشه کن کردن: شامل تحمیل عمدی وضعیت خاصی از زندگی است از جمله محروم کردن از دسترسی به غذا و دارو که به منظور منهدم کردن بخشی از یک جمعیت برنامه ریزی می-شود؛ ج: به بردگی گرفتن: یعنی اعمال اختیارات مربوط به حق مالکیت بر انسان و مشتمل است بر اعمال چنین اختیاری در جهت خرید و فروش انسان به ویژه زنان و کودکان. د: تبعید یا کوچ اجباری: یعنی جا به جا کردن اجباری اشخاص موردنظر از طریق بیرون راندن یا دیگر اعمال قهرآمیز از منطقهای که قانوناً در آنجا حضور دارند. بدون مجوزی براساس حقوق بین الملل. ه: حاملگی اجباری: یعنی حبس کردن غیرقانونی زنی که به زور حامله شده است به قصد تاثیرگذاری بر ترکیب قومی یک جمعیت یا دیگر نقضهای فاحش حقوق بین الملل. این تعریف به هیچ وجه نباید طوری تفسیر شود که بر قانون ملی (داخلی کشور) مربوط به حاملگی تاثیر بگذارد. ز: تعقیب و آزار مداوم: یعنی محروم کردن عمدی و شدید از حقوق اساسی برخلاف حقوق بین الملل به دلیل هویت آن گروه یا مجموعه. ح: جنایت و تبعیض نژادی: یعنی ارتکاب

اعمال غیرانسانی از نوع اعمال مذکور در بند ۱ از طریق یک رژیم نهادینه شده و ایجاد فشار و سلطه منظم توسط یک گروه نژادی بر یک گروه یا گروه های نژادی دیگر و ارتکاب آن اعمال به قصد حفظ و نگهداری آن رژیم. ط: ناپدید کردن اجباری شخص: یعنی بازداشت یا حبس یا ربودن اشخاص و توسط یک دولت یا سازمان سیاسی یا با اجازه یا حمایت یا رضایت آنها و سپس امتناع از اعتراف به محرومیت این اشخاص از آزادی یا امتناع از دادن اطلاعات از سرنوشت یا محل وجود آنان با قصد دور کردن آنان از حمایت قانون برای مدت طولانی.

۳- در این اساس نامه منظور از اصطلاح جنسیت مفهومی است که عرفاً به دو جنس مرد و زن اطلاق می- شود. اصطلاح جنسیت به هیچ معنای دیگری غیر از معنای فوق دلالت نخواهد کرد (آل حبیب، ۸۷۳۱).

برخی از علمای حقوق بین الملل مصادیق اعمالی را که جنایت ضدبشریت میگردند را به شرح زیر بر شمرده اند:

۱- برده ساختن انسان ها ۲- ژنوساید ۳- راهزنی دریایی در دریاهای آزاد ۴- هواپیما ربایی و اختلال در امنیت هوایی ۵- تروریسم ۶- آپارتاید ۷- قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان ۸- جنایات علیه افراد تحت حمایت حقوق بین الملل مانند دیپلمات ها ۹- شکنجه ۱۰- آلوده ساختن محیط زیست هوا ۱۱- آلوده ساختن محیط زیست دریایی (ضیائی بیگدلی، ۳۹۳۱). جنایات بسیاری در طول تاریخ علیه بشریت رخ داده است و تاریخ گویای تکرار آن در قرن های مختلف است که عملی خلف عدالت تلقی میشود که در موارد ذیل به آن اشاره شده است:

۱- اساس نامه دادگاه نورمبرگ ۲- اساس نامه دادگاه توکیو ۳- قانون شورای کنترل ۴- اساس نامه دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق ۵- اساس نامه دادگاه کیفری بین المللی برای رواندا ۶- پیش نویس ۶۹۹۱ کمیسیون حقوق بین الملل در مورد قواعد مربوط به جنایات بر ضد صلح و امنیت بشری ۶۹۹۱ (بیگزاده، ۸۷۳۱). به طور خلاصه گفته شده که هر کدام از اعمال ذیل که طی انجام یک یورش گسترده و یا سازمان یافته بر علیه یک جمعیت غیرنظامی و یا با علم به آن واقع شود، تشکیل دهنده جنایات ضدبشریت است:

۱- کشتن دیگر انسان ها ۲- برده ساختن انسان ها ۳- تبعید یا کوچ اجباری بدون حکم قضایی و خودسرانه ۴- توقیف غیرقانونی ۵- تجاوز جنسی ۶- برده ساختن جنسی ۷- فحشای اجباری ۸- حمله ساختن بدون رضایت ۹- عقیمسازی اجباری که بسیاری از این وحشی گری ها در طول سال های گذشته در بوسنی و افغانستان اتفاق افتاده است (میرحجازی، ۸۷۳۱). به نظر میرسد که هدف همه مقررات حقوقی چه حقوق بین الملل و چه حقوق داخلی صرفاً حمایت از حقوق انسان هاست که با جنایاتی مانند جنایت علیه بشریت به خطر افتاده و باید با موازین حقوق جزا و حقوق بین الملل جلو آن را گرفت (صادقیان، ۸۷۳۱).

۴- جنایات جنگی و پیامدهای حقوق بشری ناگوار آن

قبل از توضیح راجع به جنایات جنگی لازم است که در خصوص منابع حقوق جنگی مطالبی را بیاوریم تا معلوم شود که نقض آنها میتواند موجب وقوع جنایات جنگی تلقی گردد:

۱- اعلامیه پاریس ۶۵۸۱، ۲- عهدنامه ژنو ۴۶۸۱، ۳- اعلامیه سنپترزبورگ ۸۶۸۱،

۴- اعلامیه نهایی کنفرانس بروکسل ۴۷۸۱، ۵- عهدنامه لاهه ۹۹۸۱، ۶- عهدنامه ۴۰۹۱ لاهه، ۷- عهدنامه ۶۰۹۱، ۸- عهدنامه‌های لاهه ۷۰۹۱، ۹- عهدنامه واشینگتن ۲۲۹۱، ۱۰- پروتکل ژنو ۵۲۹۱، ۱۱- عهدنامه ۹۲۹۱، ۱۲- پروتکل لندن ۰۳۹۱، ۱۳- قرارداد ۵۳۹۱، ۱۴- پروتکل لندن ۶۳۹۱، ۱۵- عهدنامه های ژنو ۹۴۹۱، ۱۶- قرارداد لاهه ۴۵۹۱، ۱۷- پروتکل های ژنو ۷۷۹۱، ۱۸- قرارداد ۷۷۹۱، ۱۹- عهدنامه ۱۸۹۱، ۲۰- معاهدات راجع ممنوعیت کاربرد سلاحهای هستهای (ضیائی بیگدلی، ۷۹۳۱).

همانطور که ماده ۸ اساس نامه دیوان مقرر داشته است ارتکاب برخی اعمال موجب تحقق جنایات جنگی است بدین وصف ماده ۸ مقرر میدارد که: ماده ۸: جنایات جنگی: ۱- دیوان نسبت به جنایات جنگی صلاحیت دارد به ویژه هنگامی که قالب یک برنامه یا سیاست عمومی یا در قالب ارتکاب گستره چنین جرائمی صورت گرفته باشد.

۲- منظور از جنایات جنگی در این اساسنامه موارد ذیل است:

الف: نقصهای فاحش کنوانسیون های ۲۱ اوت ۹۴۹۱ ژنو، یعنی هر یک از اعمال مشروحه ذیل برضد اشخاص یا دارائیهایی که تحت حمایت مقررات کنوانسیون مربوطه ژنو قرار گرفته‌اند: ۱- کشتار عمدی؛ ۲- شکنجه یا رفتار غیرانسانی از جمله آزمایشهای زیستشناختی؛ ۳- فراهم آوردن موجبات رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا سلامتی؛ ۴- تخریب و ضبط گسترده اموال که ضرورت های نظامی آن توجیه نمیکند و به صورت غیرقانونی و خودسرانه اجرا شده است؛ ۵- اجبار اسرای جنگی یا دیگر اشخاص مشمول حمایت (کنوانسیون) به خدمت در صفوف نیروهای دولت دشمن؛ ۶- محروم کردن عمدی اسرای جنگی یا دیگر اشخاص مشمول حمایت از حق محاکمه عادلانه و قانونی؛ ۷- تبعید یا انتقال غیرقانونی یا حبس قانونی؛ ۸- گروگانگیری.

ب: دیگر نقص های فاحش قوانین و عرف های مسلم حقوق بین الملل و حاکم بر منازعات مسلحانه بین المللی یعنی هر یک از اعمال مشروحه ذیل: ۱- هدایت مستقیم در مخاصمات ندارند؛ ۲- هدایت عمدی حملات بر ضد اهداف غیرنظامی؛ ۳- هدایت عمدی بشردوستانه یا ماموریت های حفظ صلح به موجب منشور ملل متحد به کار گرفته میشوند، مادامی که آنها از حمایتی برخوردارند که به غیرنظامیان یا اهداف غیرنظامی به موجب حقوق بین الملل منازعات مسلحانه داده شده است؛ ۴- انجام عمدی حملهای با علم به این که چنین حملهای باعث تلفات جانی یا آسیب به غیرنظامیان یا خسارت به اهداف غیرنظامی یا آسیب گسترده درازمدت و شاید به محیطزیست خواهد شد و آشکارا نسبت به مجموعه فایده نظامی ملموس و مستقیم موردانتظار از آن بیش از اندازه است؛ ۵- حمله یا بمباران شهرها، روستاها، مناطق مسکونی یا ساختمان هایی که بیدفاع بوده و اهداف نظامی نیستند، با هر وسیلهای که باشد؛ ۶- کشتن یا زخمی کردن رزمنده ای که سلاح خود را بر زمین گذاشته یا وسیلهای یا برای دفاع ندارد و از روی اختیار تسلیم شده است؛ ۷- سوءاستفاده از پرچم متارکه جنگ یا پرچم نشانها و لباس های متحدالشکل دشمن یا سازمان ملل یا علائم مشخصه کنوانسیون های ژنو به طوری که منجر به مرگ یا آسیب شدید به اشخاص شود؛ ۸- اقدام دولت اشغالگر به طور مستقیم یا غیرمستقیم برای انتقال بخشهایی از جمعیت غیرنظامیاش به سرزمینی که اشغال میکند یا تبعید یا انتقال تمام یا بخشهایی از جمعیت سرزمین اشغالی در داخل یا به

خارج از سرزمین؛ ۹- هدایت عمدی حملات برضد ساختمانهایی که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه اختصاص یافته و حمله به اثار تاریخی، بیمارستانها و مکانهای تجمع بیماران و زخمیها مشروط بر آن که آن مکانها اهداف نظامی نباشند؛ ۱۰- در معرض نقض بدنی یا هر نوع آزمایش پزشکی یا علمی قرار دادن اشخاصی که تحت سلطه طرف دیگر هستند که نه درمان پزشکی، دندانپزشکی یا بیمارستانی شخص موردنظر آن را توجیه می- کند و نه در جهت منفعت وی صورت میگیرد و موجب مرگ یا خطر جدی برای آن شخص یا اشخاص میشود؛ ۱۱- خائنانه کشتن یا زخمی کردن افرادی که به دولت یا ارتش دشمن تعلق دارند؛ ۲۱- اعلان این مطلب که به احدی رحم نخواهد شد(احدی در قید حیات نخواهد ماند)؛ ۳۱- تخریب یا ضبط اموال دشمن مگر آنکه ضرورتهای جنگ چنین تخریب یا ضبط اموال را ایجاب نماید؛ ۴۱- اعلان این مطلب که حقوق و دعاوی اتباع طرف دشمن در هر دادگاهی منسوخ معلق یا غیرقابل قبول است؛ ۵۱- اجبار اتباع طرف دشمن به شرکت در عملیات جنگی برضد کشور خود هر چند آنها پیش از شروع جنگ در خدمت دولت متخاصم بودهاند؛ ۶۱- غارت شهر یا محلی گرچه غلبه بر آن با زور صورت گرفته باشد؛ ۷۱- به کار بردن سم یا سلاح های سمی؛ ۸۱- استفاده از گازهای خفه کننده، سمی یا سایر گازها و تمام سیالات، مواد یا ابزارهای مشابه؛ ۹۱- استفاده از گلوله هایی که به اسانی در بدن انسان منبسط یا پخش میشود. مانند گلوله هایی که دارای پوسته سختی هستند که تمام هسته را نمی پوشانند یا آن که شکافهایی روی پوسته ایجاد شده است؛ ۱۰۲- به کار بردن سلاحها، پرتابه ها و مواد و روشهای جنگی که دارای خاصیت آسیب رسانی بیش از حد یا موجب رنج غیرلازم میشوند یا آنکه ذاتا بدون تمیز و تفکیک [اهداف] و معایر حقوق بین الملل منازعات مسلحانه هستند؛ مشروط بر آنکه این سلاح ها موضوع منع جامع بوده و از طریق اصلاحی های مطابق مقررات مربوط در مواد ۱۲۱ و ۳۲۱ در ضمیمه الحاقی به این اساسنامه درج شود؛ ۱۲- تجاوز به کرامت شخص، به ویژه رفتار موهن و تحقیرآمیز؛ ۲۲- ارتکاب تجاوز[جنسی]، اجبار به فحشای جنسی، حاملگی اجباری، آنچنان که در بند ۲ (و) ماده ۷ تعریف شده است، عقیم کردن اجباری، یا هر شکل دیگر از اشکال خشونت جنسی که موجب نقض فاحش کنوانسیون های ژنو میشود؛ ۳۲- بهره برداری از حضور اشخاص غیرنظامی یا دیگر اشخاص برخوردار از حمایت به منظور مصون نگاه داشتن نقاط، مناطق یا نیروهای نظامی معین از عملیات نظامی؛ ۴۲- هدایت عمدی حملات برضد ساختمانها، مواد، واحدها و وسایل نقلیه پزشکی و افرادی که نشان های مشخصه کنوانسیونهای ژنو را مطابق حقوق بین الملل به کار میبرند؛ ۵۲- تحمیل گرسنگی به غیرنظامیان به عنوان روش جمعی، با محروم کردن آنان از موادی که برای بقایایشان ضروری است. از جمله جلوگیری خودسرانه از رسیدن کمک های امدادی پیش بینی شده در کنوانسیونهای ژنو؛ ۶۲- بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر ۵۱ سال در نیروهای مسلح ملی یا به کار گرفتن آنان برای مشارکت فعال در کارهای جنگی؛

ج: در حالت وقوع نزاع مسلحانه غیر بین المللی نقض فاحش ماده ۳ مشترک در چهار کنوانسیون ۲۱ اوت ۱۹۴۹ یعنی هر یک از اعمال ارتكابی زیر برضد اشخاصی که هیچ- گونه شرکت فعالی در کارهای جنگی ندارند از جمله افراد نیروهای مسلح که سلاح هایشان را زمین گذاشته اند و کسانی که به سبب بیماری، جراحت، حبس یا هر علت دیگری از شرکت در جنگ ناتوان هستند: ۱- خشونت برضد جسم و جان به ویژه قتل از هر نوع،

قطع عضو، رفتار بی رحمانه و شکنجه؛ ۲- تجاوز به کرامت شخص به ویژه رفتار موهن و تحقیر کننده؛ ۳- گروگانگیری؛ ۴- صادر کردن احکام و اجرای مجازات های اعدام بدون وجود حکم قبلی صادر شده از دادگاهی که به طور قانونی تشکیل شده باشد و تمام تضمین های قضائی را که ضرورت آن به طور عام شناخته و پذیرفته شده است، تامین نمایند؛

د: بند ۲(ج) بر منازعات مسلحانه غیر بین المللی منطبق است و بنابراین شامل حالت های آشوب ها و تنش های داخلی همچون شورش ها و اعمال خشونت آمیز منفرد یا پراکنده یا اعمال مشابه دیگر نمیشود.

ه: دیگر نقض های فاحش قوانین و عرفهای قابل اجرا در منازعات مسلحانه غیر بین المللی در چارچوب تعیین شده در حقوق بین الملل یعنی هر یک از اعمال زیر: ۱- هدایت عمدی حملات بر ضد مردم غیر نظامی در کلیت آن یا بر ضد افراد غیر نظامی که در اعمال جنگی شرکت مستقیم ندارند؛ ۲- هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمان ها، مواد، واحدها و وسایل نقلیه پزشکی و افرادی که از نشانه های مشخصه مذکور در کنوانسیون های ژنو مطابق حقوق بین الملل استفاده میکنند؛ ۳- هدایت عمدی حملات بر ضد کارکنان، تاسیسات، مواد، واحدها و خودروهایی که در کمک رسانی بشردوستانه یا مأموریت حفظ صلح به موجب منشور ملل متحد به کار گرفته میشوند، مادامی که آنها شایسته برخورداری از حمایتی هستند که موجب حقوق بین الملل منازعات مسلحانه به غیر نظامیان یا اهداف غیر نظامی داده شده است؛ ۴- هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمان هایی که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه اختصاص یافته و [نیز بر ضد] آثار تاریخی، بیمارستان ها و مکان های تجمع بیماران و زخمی ها مشروط بر آنکه آن مکان ها اهداف نظامی نباشند؛ ۵- غارت شهر یا محلی، گرچه غلبه بر آن با زور صورت گرفته باشد؛ ۶- ارتکاب تجاوز [جنسی] برده گیری جنسی، اجبار به فحاشی جنسی، حاملگی اجباری آنچنانکه در بند ۲ (و) ماده ۷ تعریف شده است. عقیم کردن اجباری یا هر شکل دیگر از اشکال خشونت جنسی نیز که موجب نقض فاحش کنوانسیونهای ژنو میشود؛ ۷- بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح یا گروههای مسلح یا به کار گرفتن آنان برای مشارکت فعال در کارهای جنگی؛ ۸- صدور دستور جایجایی اهالی غیر نظامی به دلایل مربوط به نزاع مگر آن که امنیت غیر نظامیان مورد نظر یا دلایل الزام آور نظامی چنین اقتضا کند؛ ۹- خائنانه کشتن یا زخمی کردن رزمنده دشمن؛ ۱۰- اعلان این مطلب که به احدی رحم نخواهد شد [احدی در قید حیات نخواهد ماند]؛ ۱۱- در معرض نقص بدنی یا هر نوع آزمایش پزشکی یا عملی قرار دادن اشخاصی که تحت سلطه طرف دیگر هستند به طوری که نه درمان پزشکی، دندانپزشکی یا بیمارستانی شخص مورد نظر آن را توجیه میکند و نه در جهت منفعت وی صورت میگیرد و موجب مرگ یا خطر جدی برای آن شخص یا اشخاص میشود؛ ۲۱- تخریب یا ضبط اموال دشمن مگر آن که ضرورت های جنگ چنین تخریب یا ضبط اموال را ایجاب نماید؛

و: بند ۲(ه) بر منازعات مسلحانه غیر بین المللی قابل اجرا است و بنابراین شامل حالت های آشوبها و تنش های داخلی همچون شورشها و اعمال خشونت آمیز منفرد یا پراکنده یا اعمال مشابه دیگر نمیشود. [مقررات] این بند در مورد منازعات مسلحانه ای قابل اجرا است که در قلمرو دولتی اتفاق میافتد که منازعه مسلحانه طولانی مدتی میان نیروهای حکومت و گروه های مسلح سازمان یافته و یا میان چنین گروه هایی وجود دارد. ۳- هیچ یک از مطالب بندهای

۲ (ج) و (د) تأثیری بر مسئولیت حکومت برای حفظ یا برقراری مجدد قانون و نظام در کشور یا دفاع از وحدت و تمامیت قلمرو دولت با تمام وسایل قانونی نخواهد گذاشت (آل حبیب، ۸۷۳۱).

در همه موارد گفته شده این حقوق بشر است که نقض میشود و وظیفه دیوان کیفری بین المللی مقابله با آن است چه در زمان صلح باشد و چه در زمان جنگ با این حال جنایات جنگی نیز در دو بستر اتفاق می افتند که عبارتند از: ۱- در جنگ های بین المللی ۲- در جنگ های داخلی که در همه موارد می توان اثری از عرف بین المللی را مشاهده کرد که با نقض کنوانسیون های چهارگانه ژنو ۹۴۹۱ شروع میشود. حوزه عملکردی جنایت جنگی باید هم وسیع باشد و هم در چهارچوب یک سیاست نهایی اتفاق بیفتد. علاوه بر آن اشخاص مرتکب این نوع جنایت بر مبنای اصلی صلاحیت جهانی همه جا می توانند تحت تعقیب قرار بگیرند و کشورها مکلفند حتی بدون ورود صدمه مستقیم به دولت ها، با این تبهکاران مقابله کنند بدین ترتیب در صورت نقض حقوق عرفی راجع به جنگ و حقوق مخاصمات مسلحانه نیز این جنایت واقع شده محسوب میگردد؛ زیرا هیچ تفکیکی میان نظامیان با غیرنظامیان رعایت نشده است و حتی ضرورت نظامی نیز در بین نیست (ممتاز، ۸۷۳۱). ویژگیهای بارز جنایات جنگی به نوعی قابل سرزنش است که با استمساک از اصل صلاحیت جهانی میتوان متهمین را هر جا یافته، دستگیر، محاکمه و مجازات نمود چرا که این افراد دشمن تمامی بشریت محسوب میگردند (میرمحمد صادقی، ۷۷۳۱).

۵- نقش دیوان کیفری بین المللی در جلوگیری از بی کیفرمانی

باید توجه داشت که صرف وجود مصونیت مرتکبین جنایات تحت صلاحیت دیوان کیفری بین المللی در ماده ۵ اساسنامه دیوان نه عذر قانونی محسوب میگردد و نه میتواند عاملی برای کاهش مجازان باشد (بیگزاده، ۷۸۳۱). دیوان کیفری بین المللی با پیشبینی ماده ۷۲ به جنگ بیکیفرمانی رفته است آنجا که مقرر میدارد: «عدم تأثیر سمت رسمی افراد [در صلاحیت دیوان] ۱- این اساسنامه نسبت به همه افراد بدون در نظر گرفتن سمت رسمی آنان و بدون تبعیض اجرا خواهد شد. به طور مشخص سمت رسمی رئیس دولت، یک عضو دولت، یا مجلس، نماینده انتخابی، یا نماینده یک دولت به هیچ وجه یک شخص را از مسئولیت کیفری که به موجب این اساسنامه بر عهده دارد معاف نخواهد کرد، همچنان که وجود سمت های مذکور به تنهایی علتی برای تخفیف مجازات نخواهد بود. ۲- مصونیت ها یا قواعد شکلی ویژه ای که به موجب حقوق داخلی یا حقوق بین الملل در مورد مقامات رسمی اجرا میشوند موجب نمی گردند که دیوان نتواند صلاحیتش را نسبت به آن اشخاص اعمال نماید (آل حبیب، ۸۷۳۱). موضوع جلوگیری از بی کیفری مسبوق به سابقه است به طوریکه بعد از پایان جنگ جهانی دوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه شماره ۱/۵۹ در ۶۴۹۱ تصویب کرد که بر محاکمه سران آلمان نازی صحه گذاشت و آنها مشمول عفو یا مصونیت قرار نگرفتند (رنجبران، ۷۸۳۱). با این حال در بسیاری از کشورها و حتی خود دیوان کیفری بین المللی گاهی اوقات اراده سیاسی کافی برای تعقیب متهمان جنایات ژنوساید، نسلکشی و جنایات علیه بشریت وجود ندارد و همین موضوع فرار از کیفر را برای متهمان تسهیل میکند (زمانی، ۷۸۳۱).

یافته های اصلی تحقیق

یافته های پژوهش ثابت میکند که علی رغم تاسیس دیوان کیفری بین المللی و جدی گرفتن موضوع محاکمه، استرداد و مجازات جنایتکاران بین المللی هنوز هم نسل کشی ها رخ میدهد، هنوز هم شاهد نقض حقوق بشر در بسیاری از سرزمین ها هستیم.

نتیجه گیری

در برخی از نقاط جهان حقوق بشر به صورت های مختلف نقض میگردد و علی رغم واکنش و اعتراض ملل جهان به آن این روند هنوز هم ادامه دارد به طوری که گویا برخی از انسانها حق زندگی ندارند و بخاطر قضاوت ظالمانه برخی از دولت ها و گروه های اقتدارگرا مرگ سرنوشت محتوم برخی از انسان هاست. متأسفانه دیوان کیفری بین المللی ابزارهای کافی برای مقابله با خشنونت علیه حقوق بشر را ندارد. صلاحیت دیوان جنبه تکمیلی دارد نه اصلی و ذاتی و اساسا هر نوع رسیدگی منوط به عضویت کشورهاست و یا نظر مساعد شورای امنیت و یا دادستان دیوان از طرفی بسیاری از کشورها از همکاری با دیوان اجتناب میکنند و کمبود بودجه و مشکل همیشگی کمبود مدارک و شواهد همیشه از موانع تحقق آرزوهای دیوان کیفری بین المللی در مجازات آدمخواران و جنایتکاران بین المللی است که کشتن و شکنجه انسان ها را به تفریح خود مبدل ساخته اند.

منابع

- ۱- ابراهیمی، سید احمد (۸۷۳۱)، «درآمدی بر تاسیس دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران»، در کتاب کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران به اهتمام اسحاق آل حبیب، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۲- اردبیلی، محمدعلی (۳۸۳۱)، حقوق بینالملل کیفری گزیده مقالات ۱، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- ۳- ارسنجانی، محمد (۸۷۳۱)، «اساسنامه دیوان کیفری بین المللی رم» در کتاب دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران، به اهتمام اسحاق آل حبیب، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۴- آل حبیب، احمد (۸۷۳۱)، دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۵- بیگزاده، ابوالفضل (۸۷۳۱)، «بررسی جنایت نسل کشی و جنایت بر ضدبشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی» در کتاب دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران، به اهتمام اسحاق آل حبیب، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۶- بیگزاده، ابوالفضل (۷۸۳۱)، موانع امحای بی کیفری، در کتاب مجموعه مقالات همایش

سازمان ملل متحد و مقابله با بی کیفری، چاپ اول، تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.

۷- پاکدامن، رضا. (۸۷۳۱). «بررسی ضمانت اجراهای اجرای تصمیمات دیوان کیفری بین المللی» در کتاب دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران، به اهتمام اسحاق آل حبیب، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

۸- حسینی نژاد، حسن. (۳۷۳۱). حقوق کیفری بین الملل. چاپ اول، تهران: نشر میزان.

۹- رنجبریان، احمدعلی. (۷۸۳۱). مبارزه با بی کیفری در سرزمین های تحت اداره سازمان ملل متحد، در کتاب مجموعه مقالات همایش سازمان ملل متحد و مقابله با بی کیفری، چاپ اول، تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.

۱۰- زمانی، سید قادر. (۷۸۳۱). «صلاحیت جهانی و بی کیفری» در کتاب مجموعه مقالات همایش سازمان ملل متحد و مقابله با بی کیفری، چاپ اول، تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.

۱۱- سازمان ملل متحد. اداره اطلاعات همگانی، (۸۸۳۱). سازمان ملل متحد در دنیای امروز، ترجمه ع ایثاری کسمایی، چاپ اول، تهران: آباروت

۱۲- صادقیان، وحید. (۸۷۳۱). «مروری بر جرائم تحت صلاحیت دیوان دائمی کیفری بین المللی» در کتاب دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران، به اهتمام اسحاق آل حبیب، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

۱۳- ضیائی بیگدلی، محمدرضا. (۳۹۳۱). حقوق بین الملل عمومی، چاپ چهل و نهم، تهران: انتشارات گنج دانش.

۱۴- ضیائی بیگدلی، محمدرضا. (۷۹۳۱). حقوق جنگ حقوق بین الملل مخاصمات مسلحانه، چاپ پنجم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

۱۵- عنایت، سیدحمید. (۵۷۳۱). «دادگاه بین المللی کیفری یوگسلاوی سابق»، فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد، سال اول، شماره یک، ص ۵۳۱-۹۱۱.

۱۶- ممتاز، جمشید. (۸۷۳۱). «صلاحیت دیوان کیفری بین المللی در محاکمه افراد متهم به ارتکاب جنایت جنگی با تاکید بر آثار الحاق یا عدم الحاق جمهوری اسلامی ایران به اساسنامه دیوان»، در کتاب دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران، به اهتمام اسحاق آل حبیب، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

۱۷- موثقی، حمید. (۹۸۳۱). حقوق بین الملل میان حاکمیت اراده و قانون، چاپ اول، تبریز:

انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

۱۸- میرحجازی، سیداحمد. (۸۷۳۱). «قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی»، در کتاب دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران، به اهتمام اسحاق آل حبیب، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

۱۹- میرمحمد صادقی، حسین. (۷۷۳۱). حقوق جزای بین الملل (مجموعه مقالات)، چاپ اول: نشر میزان.

۲۰- میرمحمد صادقی، حسین. (۷۸۳۱). دادگاه کیفری بین المللی، چاپ دوم، تهران: موسسه انتشارات دادگستر.

